هفته نامهٔ

# مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قران کریم

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان


سرمقاله

## اهداف مغرضانه از پخش شایعات!

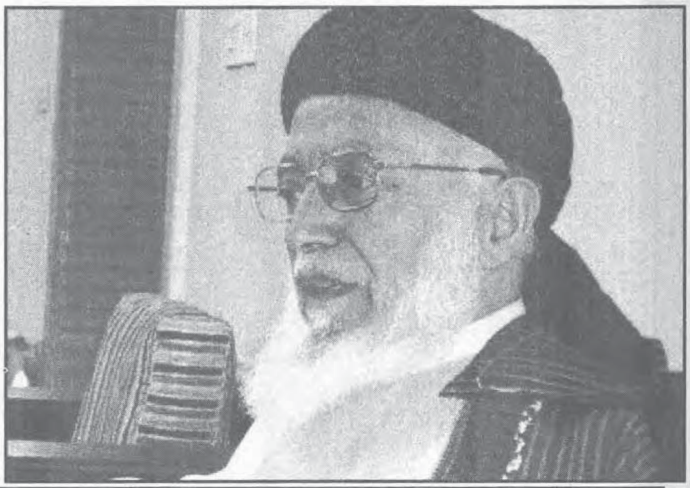
ص۲

## از نخستین انتخابات ریاست جمهوری تا دومین انتخابات پارلمانی در کشور

ص۳

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ بیست و چهارم ۱۷ میزان ۱۳۸۹ اول ذولقعده ۱۴۳۱ - 9 oct 2010

# علما نقش بارزی در تاریخ بشریت به ویژه در تاریخ افغانستان داشته و دارند



**سمینار بین المللی تحت عنوان "رسالت علماء و وحدت امت اسلامی" به مدت دو روز (۱۷ و ۱۸ میزان) با شرکت برخی اندیشمندان جهان اسلام، علما و پژوهشگران کشور در شهر کابل برگزار می شود. ریاست این همایش بزرگ را استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت به عهده دارند. در این ارتباط، استاد روز دوشنبهٔ هفتهٔ گذشته طی کنفرانس مطبوعاتی رسانه ها را در جریان برگزاری این محفل بزرگ قرار دادند، که جهت معلومات خوانندگان محترم گزارشی از فرموده های استاد تقدیم می گردد.**

ص۳

# د ولسي جرگې لخوا ټاکنو د شکایتونو د بررسۍ پریکړه !!

۷مخ



## شورای عالی صلح آغاز به کار کرد

روز پنجشنبهٔ هفتهٔ گذشته نخستین نشست شورای عالی صلح با حضور رئیس جمهور آغاز به کار کرد. آقای کرزی، در مراسم آغاز کار شورای عالی صلح، تشکیل این شورا را از آرزوهای مردم افغانستان و مسیری برای برقراری صلح عنوان کرد. وی با بیان اینکه جامعهٔ جهانی از تشکیل این شورا حمایت شان را نشان داده است گفت: دولت افغانستان نیز همکار شورای عالی صلح خواهد بود. به گفتل رئیس جمهور، شورای عالی صلح در تصمیم گیری های خود مستقل است و از همه مخالفان مسلح خواست به دیدگاه ها و مصوبات شورای عالی صلح احترام بگذارند.

گفته شده است که هفتهٔ آینده این شورا روی انتخاب رئیس و راستای کاری این شورا تصمیم خواهند گرفت. گفتگو با مخالفان مسلح دولت مهمترین هدف تشکیل این شورا است که در شورای مشورتی جرگهٔ صلح به تاریخ ۱۲ -۱۴ جوزا روی آن بحث شده بود.

# اعلام نتایج ابتدایی انتخابات مجلس نمایندگان به تاخیر افتاد

ص۳



## انجنیر عمر والی کندز به شهادت رسید

طوری که منابع خبری گزارش دادند انجنیر محمد عمر والی ولایت کندز در اثر انفجاری در یکی از مساجد شهر تالقان ولایت تخار به قتل رسید.

از جنرال شاه جهان نقل شده تعداد کشته شده گان این انفجار ۱۵ نفر و شمار مجروحین بیش از ۲۰ نفر می باشد.

سخنگوی ولایت تخار مدعی است که علت انفجار مواد انفجاری بوده که از قبل در مسجد جا سازی گردیده بود.

به گفته بعضی از منابع احتمالاً این انفجار به وسیلهٔ طالبان و یا اعضای شبکهٔ القاعده ـ که در این اواخر در صفحات شمال کشور نفوذ گسترده یی پیدا کرده اند ـ سازمان دهی شده است.

برخی منابع از جمله رادیو کوکچه، رادیوی محلی در شهر فیض آباد تعداد کشته شده گان این حادثه خونین را بیشتر از آنچه که ارائه شد، وانمود کرده اند.

گفتنی است انجنیر محمد عمر سال گذشته نیز هدف سوء قصد قرار گرفته بود.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپه نرسیده به هوتل کابل شاهان
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

## سرمقاله

# اهداف مغرضانه از پخش شایعات!

**بعد از پیروزی جهاد مردم افغانستان، اکثر کشورهای جهان با روحیهٔ مجاهد ستیزی و دین ستیزی که دارند، به گونه های مختلف، از آدرس های به اصطلاح حقوق بشر و منابع انترنتی چیزهایی را طور مبهم و مجهول به خورد مردم می دهند که گویا، مجاهدین ناقضین حقوق بشر در دوران جهاد و مقاومت و حکومت داری بوده اند.**

**چنانچه اخیراً روزنامهٔ سویسی لی تیمپس مدعی شده است که گویا یک گزارش سه صد صفحه یی را از سازمان ملل به دست آورده که در آن اتهاماتی بر شوروی سابق، تنظیم های جهادی، و نظامیان امریکایی وارد شده است.**

**به نوشتهٔ این روزنامه، این جنایات بر می گردد به اپریل ۱۹۷۸ تا دسمبر ۲۰۰۱ میلادی.**

**مشابه به این درامه، چندی قبل سایت انترنتی ویکی لیکس با پخش شایعه یی اذهان عامه را به خود جلب کرد که گویا حدود نودهزار سندی را در دسترس دارد دال بر جنایایت امریکایی ها و هم پیمانان شان در افغانستان است. این منبع وعده سپرد تا فهرست اسمای اشخاصی را که به امریکایی ها جاسوسی می کنند، افشاء کند، اما با وعده دادن یک هفته و دو هفته بعد ... بالاخره خاموش گردید و از شهرت جاسوسان امریکا هم، کسی اطلاع نیافت.**

**گمانه زنی هایی وجود دارد که این توطئه ها بر می گردد به سازمان های استخباراتی، که در مراحل مختلف چیزهای جدید تبلیغاتی را مطابق نبض زمان و جوامع به راه می اندازند تا بدینوسیله توانسته باشند، ذهنیت ها را تغییر داده و خود از این جو سیاسی بهره گیرند.**

**آنچه از جانب دستگاه های دروغ پراگنی و تبلیغاتی در ارتباط به مجاهدان گفته می شود، آن دستگاه ها باید بدانند که مجاهدان، نه ناقض حقوق بشر اند و نه هم تفنگ سالار و یا جنگجوهای بی هدف. این ها رزمندگان واقعی و هدفمند این مرزبوم بودند و هستند که به خاطر رسالت دینی و دین میهنی شان، جهت براندازی تجاوز و فساد و رذیلت قیام کردند و آزادی و سربلندی و عزت را برای مردم به ارمغان آوردند. از همین روست که بعد از پیروزی خار چشم دشمنان گردیده اند. به ایشان می گوییم " موتوا بغیظکم.**

# راه دشوار تدارکات ناتو در افغانستان

**وحید مژده**

چند روز قبل با حملهٔ هلی کوپتر های ناتو به خاک پاکستان، بحرانی در روابط میان پاکستان وامریکا به میان آمد که به تلفات مالی و حتی کشته شدن افراد منجر شد. در حملهٔ هلی کوپترهای ناتو حداقل دو ملیشهٔ پاکستانی در سرحد مشترک این کشور با افغانستان کشته شدند و به دنبال این واقعه، پاکستان شدیدا به ناتو اعتراض کرد و تدارکات ناتو از مسیر تورخم را معطل قرار داد.

روز بعد این واقعه، کاروانی از تانکر های ناتو در منطقهٔ شکارپور در ایالت سند مورد حملهٔ مردان مسلح قرار گرفت و تعدادی تانکر به آتش کشیده شد. این واقعه در جاهای دیگر نیز تکرار شد که در کنار خسارت مالی، تلفات جانی را نیز در قبال داشت.

تاکنون تعداد تانکر های تیل ناتو که بعد از واقعهٔ حملهٔ هلی کوپترها آتش گرفته و نابود شده به بیش از یکصد تانکر می رسد. هرچند طالبان پاکستانی مسوولیت این حملات را به عهده گرفتند، اما در مورد بلوچستان شک و شبهه وجود دارد. از آنجایی که طالبان پاکستانی در ایالت بلوچستان فعال نیستند، این حمله نمی تواند کار آنها باشد. مقامات ایالت بلوچستان به رسانه ها گفته اند که این را دزدان انجام داده اند که با حمله به کاروان ها، اموال ناتو را غارت می کنند و سپس این اموال را در بازارهای ایالت بلوچستان به فروش می رسانند.

در عکس العمل به بسته شدن راه اکمالاتی ناتو از طریق افغانستان، یکی از سخنگویان ناتو گفت که این موضوع اهمیت زیادی ندارد. اگر راه تورخم بسته است، ما می توانیم از طریق بنادر جنوب این کاروان ها را به افغانستان برسانیم.

وی مشخص نساخت سرحدی که در جنوب افغانستان است، در مرز با کدام کشور قرار دارد. زیرا افغانستان از جنوب نیز با پاکستان همسرحد است. از جانب دیگر مقامات ناتو تلاش دارند تا وقایع اخیر در پاکستان را کم اهمیت جلوه دهند و مدعی اند که ذخایر کافی در افغانستان دارند و در کوتاه مدت بسته شدن راه پاکستان تاثیری بر عملیات ناتو نخواهد داشت اما دوام این وضع می تواند مشکل آفرین باشد.

ریچارد هالبروک نمایندهٔ خاص امریکا برای افغانستان و پاکستان در عکس العمل به بسته شدن سرحد تورخم گفت که این کار می تواند عواقب ناگواری برای ماموریت افغانستان داشته باشد. این سخن خلاف نظر بعضی از فرماندهان ناتو بود که می گفتند از راه شمال افغانستان قادر به تامین نیازهای خود در افغانستان هستند.

سرانجام امریکا مجبور شد تا به خاطر واقعهٔ هلی کوپترهای ناتو به داخل خاک پاکستان و کشته شدن سربازان پاکستانی رسما از این کشور معذرت خواهی کند.

ناتو اعلام داشت که وقتی هلی کوپتر ها به خاک پاکستان داخل شدند، سربازان پاکستانی به فیر های هوشدار دهنده پرداختند. سرنشینان هلی کوپتر به این گمان که مورد حملهٔ طالبان قرار گرفته اند، با فیر دو راکت موجب کشته شدن حداقل دو سرباز پاکستانی شدند. ناتو اذعان نمود که این کار به دلیل عدم هماهنگی با مقامات پاکستانی صورت گرفت. در موارد مشابه نیروهای ناتو حاضر به پذیرفتن چنین مسوولیت نیستند.

در طول چندسال گذشته، طیارات بی سرنشین امریکایی به صورت منظم تقریبا هرروزمحل هایی را در مناطق قبایلی هدف قرار داده و حکومت پاکستان این کار را نادیده گرفته است. به نظر می رسد که حمله طیارات بی سرنشین نه تنها در توافق با حکومت پاکستان صورت می گیرد، بلکه استخبارات نظامی پاکستان در نشاندهی اهداف با آنها همکاری می کنند. اما حملهٔ هلی کوپترها بدون هماهنگی با پاکستانی ها صورت گرفت و به همین دلیل عکس العمل تند مقامات پاکستانی را به دنبال داشت.

این عکس العمل تند می تواند دلیل دیگری هم داشته باشد. یعنی پاکستانی ها این اقدام ناتو را تحقق خواست حکومت افغانستان تلقی نموده اند که مدت هاست از ناتو و امریکا می خواهد تا مراکز طالبان را در آنسوی مرز هدف قرار دهد.

پاکستانی ها احساس کردند که اگر در برابر این اقدام امریکا به صورت جدی عکس العمل نشان ندهند، این گونه عملیات ادامه خواهد یافت وحتی در آینده شاید امریکا قوای پیادهٔ خود را هم به داخل قلمرو پاکستان بفرستد.

اینکه تعدادی افراد مسلح در نزدیکی اسلام آباد و یا در ایالت سند و بلوچستان به کاروان سوخت رسانی ناتو حمله کردند و بعد از به آتش کشیدن تانکرها موفق به فرار شدند، نمی تواند به سادگی صورت گرفته باشد. پاکستان با این کار در حقیقت به امریکا خاطرنشان می سازد که احساسات ضد امریکایی در پاکستان شدید است.

حمله به کاروان های تدارکاتی ناتو در داخل خاک پاکستان تازگی ندارد. در گذشته نیز این کاروان ها در معرض چنین حملاتی بوده اند و به همین دلیل امریکا و ناتو تصمیم گرفتند تا راه بدیل اکمالاتی را از مسیر شمال باز کنند. در این رابطه نقش کشورهای آسیای میانه مهم است.

اما این کشورها هنوز هم از فدراسیون روسیه حرف شنوی دارند. روسیه حاضر شد تا به کاروان های ناتو اجازهٔ عبور از خاک این کشور را بدهد اما این مسیر طولانی و زمانگیر و درعین حال گران است.

هرچند بعضی از فرماندهان ناتو گفته اند که توان تدارک نیازهای خود را از طریق هوایی هم دارند اما رسانیدن مواد سوخت از هوا کاری نهایت پرخرج خواهد بود.

بیاد داریم که اتحاد شوروی برای رسانیدن مواد سوخت به نیروهای این کشور در افغانستان مجبور شد تا پایپ لاین تیل را به میدان هوایی بگرام و شیندند تمدید نماید. انتقال مواد سوخت توسط تانکر از راه زمین امروز هم به اندازهٔ دوران تجاوز شوروی به افغانستان مشکل است.

تلاش برای تامین نیاز های ناتو از راه شمال موجب گردید تا نا امنی ها به شمال افغانستان نیز گسترش یابد. در یک مورد گروهی از افراد مسلح مخالف دولت، دو تانکر نفت ناتو را در قندوز ربودند و در حملهٔ طیارات ناتو به این تانکرها، ده ها غیرنظامی جان باختند.

امریکایی ها در کشوری درگیر نبرد اند که به بحر راه ندارد، نزدیک ترین راه قابل دسترس به بندر بحری از راه پاکستان است. پاکستانی ها به اهمیت استراتژیک کشور شان برای امریکا کاملا آگاه اند و همین موقعیت موجب شده تا امریکا دربرابر پاکستان ازدست زدن به اقدام جدی خود داری نماید.

در افغانستان نیز نیروهای ناتو بار بار افراد پولیس و اردوی ملی افغانستان را مورد حمله قرار داده و تا کنون ده ها تن از آنان را کشته اند، اما در این مورد عذر خواهی نکرده اند. عذر خواهی امریکا از پاکستان نمایانگر این حقیقت است که پاکستان برای امریکا بسیار مهم است. پاکستان به این بهانه یکبار دیگر موقعیت و اهمیت خود را در افکار عمومی در غرب برجسته ساخت. اکنون دشوار است که از امریکا انتظار حمله به مراکز تروریسم در پاکستان را داشته باشیم.



استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان در کنفرانس مطبوعاتی جهت برگزاری سمینار بین المللی رسالت علماء :

# علما نقش بارزی در تاریخ بشریت به ویژه در تاریخ افغانستان داشته و دارند

**گزارش از مصباح شعیب**

سمینار بین المللی رسالت علماء و وحدت امت اسلامی روزهای شنبه و یکشنبه مورخ ۱۷ و ۱۸ میزان با شرکت تعدادی از اندیشمندان جهان اسلام، علما و پژوهشگران کشور از طرف آکادمی علوم، بنیاد فرهنگی – تبلیغی پیامبر اعظم(ص) و برخی نهادهای فرهنگی در شهر کابل برگزار می شود.

گفته می شود، در این همایش شخصیت های دینی از جمهوری اسلامی ایران، مصر، عربستان سعودی، سوریه، لبنان، پاکستان و کشورهای منطقه حضور خواهند یافت و محور آن هم اندیشی مسلمانان، بازخوانی وحدت امت اسلامی و تاکید بر مشی وحدت طالبانه پیشگامان اتحاد جهان اسلام خوانده شده است.

ریاست این همایش بزرگ را استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت و رهبر جمعیت اسلامی افغانستان بر عهده دارد. در این ارتباط، استاد روز دوشنبهٔ هفتهٔ گذشته در گفت و گو با رسانه ها افزودند: علما نقش بارزی در تاریخ بشریت به ویژه در تاریخ افغانستان داشته و دارند.

استاد گفت: زمانی که این کشور در قرن بیستم مورد تهاجم ارتش سرخ قرار گرفت، روحانیون پیشگام حرکت های اجتماعی بودند. در افغانستان جنبش ها و حرکت هایی که حتی با هدف اصلاحات اجتماعی صورت گرفته است، حضور پر رنگ علما در آن مشهور است که نمونه آن جنبش مشروطه است که در صدر آن مولوی قندهاری قرار داشت که پس از بازداشت به عنوان رهبر جنبش اعدام شد.

استاد در ادامه گفت: امروز با وجود نهادهای متعدد دولتی برای خدمات رسانی و رفع مشکل مردم، باز هم طبقات مختلف جامعه برای حل مشکلات خویش به روحانیون و مراکز دینی مراجعه می کنند.

استاد گفتند: افغانستان در مرحلهٔ حساس تاریخی واقع شده است و کشور در بستر یک بحران قرار دارد، در حالی که صدای گلوله در کشور خاموش نشده است، توطئه ها در کمین مردم نشسته اند و سعی در ایجاد اختلاف های ملی و مذهبی در میان مردم دارند.

استاد در حالی که تفرقه افگنی و نفاق را محکوم کرد، گفت: حضرت محمد(ص) پیامبر بزرگوار اسلام از مسلمانان خواسته است که خود را از اختلاف و تفرقه دور نگه دارند. امروز مشکلاتی دامنگیر مردم افغانستان است، و فتنه جویانی در صدد ایجاد تنش برای ایجاد تفرقه میان اقشار مختلف مردم هستند.

استاد روی رسالت علما تأکید کرده گفت: رسالت روحانیون ایجاب می کند که براساس صلاحیتی که دین به آنان داده است، برای رفع معضلات اقدام کنند، زیرا بعد از پیامبران مسوولیت دینی بر عهدهٔ علماء است.

رئیس همایش برگزاری رسالت علماء و وحدت امت اسلامی، از علما و چهره های دینی افغانستان خواست تا براساس رسالتی که دارند وظایف خود را برای اصلاح جامعه، برقراری صلح، امنیت و خاموش کردن شعله های جنگ به نحوی احسن انجام دهند.

به گفتهٔ استاد، بخشی از موضوعات این گردهمایی رسالت علماء و وحدت امت اسلامی، به مقولهٔ صلح، امنیت، پیشگیری از اختلافات قومی و مذهبی و نحوهٔ مبارزه با تهاجم فرهنگی در کشور اختصاص دارد. همچنان پیام شرکت کنندگان این همایش، تقویت عوامل وحدت اجتماعی میان گروه های مختلف و نیز پرهیز از موضوعاتی که منجر به تنش و تفرقه می شود، خواهد بود.

گفته می شود در این همایش دو روزه، مقالات زیادی از جانب اشتراک کنندگان به ارتباط موضوع، به خوانش گرفته خواهد شد که به ۲۰ مقاله و پژوهش برتر جایزه درنظر گرفته شده است.

# اعلام نتایج ابتدایی انتخابات مجلس نمایندگان به تاخیر افتاد



*** فیض ***

در تقسیم اوقات کاری کمیسیون مستقل انتخابات قرار برین بود که نتایج ابتدایی برندگان انتخابات دور دوم مجلس نمایندگان به روز شنبه تاریخ ۱۷ میزان اعلام گردد که به گفتهٔ آقای فضل احمد معنوی رئیس کمیسیون مستقل انتخابات، مواردی پیش آمد که باید نتایج انتخابات را بررسی و آرای سره را از ناسره جدا شود، که بسیار زمانگیر شد.

آقای معنوی هفتهٔ گذشته در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: ما برای وفا به وعده خود به مردم در مورد این که رای های درست را از رای های نادرست جدا می کنیم، به زمان بیشتری نیاز داریم و سر انجام کمیسیون تصمیم گرفت که با یک هفته تاخیر نتایج انتخابات در روز ۲۵ میزان اعلام شود.

به گفتهٔ رئیس کمیسیون مستقل انتخابات، از آغاز بررسی نتایج انتخابات تا حال به طور کلی آرای مربوط به ۲۲۷ مرکز رایگیری را فاقد اعتبار لازم دانسته و همچنین دستور شمارش مجدد آرای ۳۳۹ مرکز دیگر را صادر کرده است.

روز دوشنبهٔ هفتهٔ گذشته، رئیس دفتر محلی کمیسیون انتخابات در ولایت خوست در جنوب شرق افغانستان در ارتباط با تخلفات انتخاباتی از سوی پلیس بازداشت شد. آقای معنوی در این رابطه گفت، گزارش هایی از سوی نهادهای اطلاعاتی به او رسیده بود که رئیس دفتر کمیسیون انتخابات خوست در تخلفات انتخاباتی دست داشته است. این که میزان دخالت او در کار تقلب در انتخابات تا چه حدی بوده است، بعد تکمیل شدن تحقیقات مشخص خواهد شد.

به گفتهٔ مقام های کمیسیون انتخابات تا حال ۱۴۲ نامزد را به اتهام تخلف و تقلب به کمیسیون شکایات انتخاباتی معرفی کرده اند. به گفتهٔ آقای معنوی اسمای این نامزدان در صورتی که از سوی کمیسیون شکایات انتخاباتی متخلف شناخته شوند، اعلام خواهد شد.

کمیسیون مستقل انتخابات گفته است، این صلاحیت را دارد هرگاه نامزدی برنده هم شود و بعد ثابت شود که در تقلب دست داشته است، از روند انتخابات خارج و به مجلس نمایندگان راه نخواهد یافت.

با مشاهدهٔ سایت انترنتی کمیسیون مستقل انتخابات، تا حال (۹) ولایت از شمارش قسمی ابتدایی بازمانده و متباقی ولایات کشور شمارش قسمی آن شامل این سایت گردیده که روی برنده و بازندهٔ بودن نامزدان تا هنوز نمی توان داوری کرد.

گفته می شود که تقلب وسیعی در این انتخابات رخ داده است که گفتهٔ کمیسیون شکایات انتخاباتی دال بر این مدعاست که بیش از سه هزار شکایت برای شان رسیده است و همچنان کمیسیون مستقل انتخابات نیز تقلب را در انتخابات مجلس نمایندگان رد نکرده، گفته اند که تقلب های شده است که به آن از طریق هردو کمیسیون رسیدگی می شود.

مردم به کمیسیون شکایات انتخاباتی چشم دوخته اند تا به این شکایت ها رسیدگی صورت گیرد. در صورتی که به شکایات مردم وقعی گذاشته نشود و همانند انتخابات ریاست جمهوری ( تیر په هیر ) شود دیگر طبل مردم سالاری و دموکراسی در افغانستان گوش شنوایی نخواهد داشت.

# نقش فلاسفهٔ اسلامی در انتقال علوم یونانی به دنیای اسلام

**پوهندوی عبدالعلی کوهی**

تفکر و فلسفه یونانی به دنیای عرب و اسلام از چندین مسیر و راه ها به دنیای عرب و اسلام سرایت کرده است.

نخستین راه این انتقال به وسیلهٔ نویسندگان، دانش پژوهان و دانشمندان مسیحی سریانی صورت گرفته است، تا اینکه دانشمندان اسلام و عرب مستقیماً به منابع یونانی دست یافتند و در آنچه از راه های ترجمه های سریانی آموخته بودند، تجدید نظر کردند و دانستنی های خود را در معرض تحقیق و بازنگری قرار دادند. راه دیگر انتقال علوم یونانی از جمله علوم ریاضی و نجوم از طریق هند صورت گرفته است. علمای هند در زمینهٔ علوم ریاضی و نجوم کار های مهمی را انجام داده اند. مواد اولیه یی این علوم را از اسکندریه به دست آوردند، این مواد اولیه از مسیر دریایی موجود میان اسکندریه و شمال غربی هندوستان به آن سرزمین راه یافته بود.

راه انتقال دیگری نیز وجود داشته است که هندوستان در آن دخالت داشته و ظاهراً مبدأ آن کشور یونانی Bactria (بلخ) از دولت های آسیایی تاسیس شده به دست اسکندر کبیر بوده است. آنچه از یونان به اعراب رسیده است، فقط به همان صورت اصلی و دست نخورده به دیگران انتقال نیافت؛ بلکه علوم یونانی در محیط عربی برای خود زندگی و نشو و نمای خاص داشته است.

در نجوم و ریاضیات دانشمندان اسلامی کار های یونانیان و هندیان را در هم آمیختند و به آنها نظم و سامان تازه بخشیدند و به همین جهت پیشرفت قابل ملاحظه یی در این دو رشته علم به دست عربی زبانان صورت گرفت.

باید گفت که دانشمندان اسلامی نه تنها از فلاسفهٔ یونان استفاده کردند و آن را به دنیای اسلام انتقال دادند؛ بلکه خود در غنامندی علوم و معارف بشری، علوم طبیعی، پزشکی، نجوم، ریاضی و ... سهم ارزنده در جهان داشته اند. از جمله: علم جبر، مثلثات، مستوی و کروی از علومی است که به وسیله یی دانشمندان اسلامی ایجاد شده و توسعه یافته است.

دانشمندان اسلامی در ارصاد فلکی و تهیهٔ کتاب های زیج مهارت کامل داشتند و آنچه را از یونانیان گرفته بودند بدان اکتفاء نکردند؛ بلکه آن را توسعه بخشیدند، زیج ها و رصد های قدیمی را مورد تدقیق قرار دادند و آنها را اصلاح کردند. اولین بار دانشمندان اسلامی و عربی به نقص منظومه بطلیموسی در هیات متوجه گردیدند.

همه مسلمانان به احکام نجومی اعتقاد نداشتند، بسیاری از ایشان را عقیده بر آن بود که همه حوادث به مشیت الهی صورت می گیرد و به هیچ وجه ستارگان را در این حوادث دستی و تاثیری نیست؛ بنابرین طرز تفکر و نگرش نظریه تاثیر ستارگان در زندگی این جهان در میان مسلمانان تغییر خاصی پیدا کرد و دیگر مانند احکام نجومیان بت پرست عقیده احکام نجومیان مسلمان این نبود که ستارگان (مدبر و مدیر) کار های جهان اند؛ بلکه مسلمانان عقیده داشتند که این اجرام فلکی همچون علایمی هستند که از روی آنها می توان قضای الهی را که بر آن فرمان رفته، از پیش دریافت. پزشکان عربی مدت چند قرن در صف مقدم کسانی بودند که در پیشرفت پزشکی کار می کردند. به آنچه از یونانیان و سایر اقوام به دست آورده بودند اکتفاء نکردند؛ بلکه خود در گسترش علم طب سهم قابل توجهی داشتند و آنچه برای آیندگان گذاشتند، پیش از آن بود که خود از دیگران گرفته بودند. از جمله فلاسفه و دانشمندانی که در آغاز کار فلسفه و حکمت یونانیان، از جمله ارسطو را شرح و تشریح نموده است یکی از آن ابو یوسف یعقوب بن اسحاق الکندی ( متوفا ۲۶۰ هـ) می باشد. الکندی را به نام فیلسوف العرب می شناسند. اسحاق الکندی به کار ترجمه مشغول بود و به تالیف نمی پرداخت و در کار ترجمه از خود شایستگی زیادی نشان داد. وی تمام کوشش خود را در بارهٔ تعلیمات ارسطو مبذول می داشت و وی را عموماً سر سلسلهٔ آن دسته از فیلسوفان اسلامی می دانند که پیرو مکتب نو ارسطویی بوده است. طرز تفکر الکندی در مسایل الهی و کلامی رنگ معتزلی و عقلی داشت و همین طرز فکر بود که در دربار مامون رواج پیدا کرد و مامون با صدور فرمانی نسبت به مخلوق بودن قرآن کریم می خواست آن را برای همه اجباری کند. مامون الکندی را مامور تربیت امیر زاده یی کرد که بعد ها به نام المعتصم (۲۲۷ – ۲۱۸) خلیفه شد. گفته شده است که الکندی برای همین خلیفه کتابی الهیات ارسطو را ترجمه کرد. الکندی این کتاب را از جمله کتاب های معتبر و اصیل ارسطو می دانست و تعلیمات آن را نوعی تصوف و تمایل به طرف وحدت وجود بود، پذیرفته بود. الکندی مانند همه اصحاب اصالت عقل در زمان خلافت متوکل عباسی دچار دشواری های زیادی گردید و کتابخانهٔ وی به عنوان مجازات مصادره گردید ولی پس از چندی به او باز گردانیده شد. اهمیت الکندی در آنست که ارسطو را به نام فیلسوف شناخت. الکندی مانند دیگران او را معلم ساده یی منطق نمی دانست؛ بلکه خود را از جمله پیروان اولی او می دانست و او را معلم و ملهم حقیقی خود می دانست و وظیفه الکندی آن بود که کتب ارسطو را در میان مسلمین ترجمه و ترویج نماید و آنچه میان تعالیم اسلامی در مبدأ و معیاد با نظریات ارسطو در تعارض قرار می گرفت آشتی می داد. به تعقیب آن ابونصر محمد الفارابی (متوفای ۳۳۸ هـ) در دربار سیف الدوله در حلب می زیست و پایهٔ کار خود را بر روی فهم آثار ارسطو قرار داده بود که به وسیله الکندی فراهم شده بود.

فارابی نزد پزشک مسیحی یوحینا بن حیلان و ابو بشر متی مترجم درس خوانده بود. وی از شارحان بزرگ فلسفه ارسطو محسوب می شود. او فلسفهٔ نو افلاطونی را بنا گذاشت؛ به همین جهت او را معلم ثانی خوانده اند و به این ترتیب وی را پس از ارسطو که معلم اول بوده است، مرجع و حجت شمرده اند؛ او نه تنها به احکام قرآن کریم پا بند بود و یک مسلمان متشرع محسوب می گردید؛ بلکه به درستی فلسفه، در جهت شناخت مسایل فلسفی و رموز عالم نیز باور داشت.

او به این باور بود که باید این هر دو مرکز علوم را آشتی داد و اختلاف و تعارض را از میان آنها برداشت؛ در حالی که در میان هر دو در پاره یی از موارد توافقی وجود ندارد که بعد ها این موضوع از سوی دانشمندان و فلاسفهٔ اسلامی صحه گذاشته شد.

به نظر فارابی حقیقت ثابت و بدون تغییر است و تناقض ظاهری را می توان توجیه و تحلیل کرد. اسحاق الکندی فیلسوف، فارابی نویسنده، متفکر و دارای معلومات وسیع علمی و فلسفی و از شارحان مکتب ارسطو، ابن سینا حکیم، طبیب و منطقی، ابن رشد آگاه مسایل فلسفی و ارسطویی و سایرین از جمله کسانی بودند که سایر دانشمندان اسلامی و عربی از آنها پیروی کرده اند و کسانی که بعد ها در حوزه فلسفه و شرح افکار ارسطو تلاش نموده اند آشکارا اعتراف به پیروی از مکتب ایشان کرده اند.

در قرن چهارم هجری گروهی از انسان های با فهم در بغداد به نام اخوان الصفا گرد هم آمدند و با آنکه این نام به معنی برادران صفا یا برادران یکدل است، گویا بیشتر معنی فلاسفه را می دهد که در آن زمان آل بویه با قدرت در بغداد حکومت می کردند و در زمان ایشان تا حدی تسامح دینی وجود داشت به این گونه کار های علمی و فلسفی می پرداختند. حوالی سال ۳۷۰ هـ از جانب این گروه مجموعه یی از رساله های انتشار یافت که غرض از آن تدوین دایره المعارف از علم فلسفه بود که عدد آن به پنجاه و دو رساله می رسید. این رساله ها شامل ریاضیات، علوم طبیعی، ماوراء الطبیعه، تصوف، سر و احکام و نجوم بود. عقاید و اصول مندرج در این رساله ها جنبهٔ التقاتی داشت و از اندیشه های فلاسفهٔ یونانی در این رساله ها استفاده شده است.

## استاد خلیل الله خلیلی

### سرود صبحگاهی

سرود صبحگاهی ساز کردند
سحر خیزان نیاز آغاز کردند
به مفتاح نیایش راز داران
بسی در های بسته باز کردند

### نالش های بسمل

جهان دیده و دل فرق دارد
سفر در بحر و ساحل فرق دارد
صدای خندهٔ کبک از دل کوه
ز نالش های بسمل فرق دارد

### کشتزار مرگ

هر آن طفلی که نوزاید ز مادر
پیامی در ورودش هست مضمر
که اندر کشتزار مرگ باقیست
نهالی بهر غرس نخل دیگر

### دل مؤمن

دل مؤمن به ذلت آشنا نیست
به داغ نا امیدی مبتلا نیست
نمی ترسد ز طوفان حوادث
که داند نا خدایش جز خدا نیست

### نشان مردان

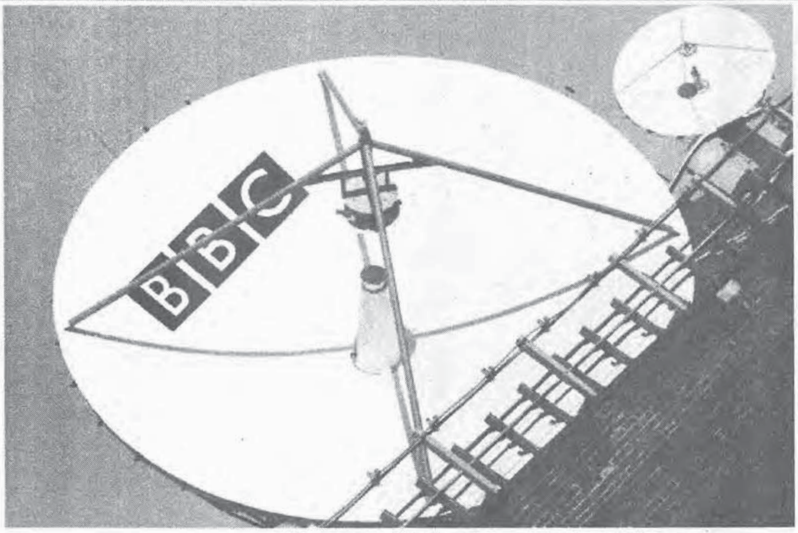
نشان عاشقی در دست، کو درد؟
به میدان کس نمی آید چه شد مرد؟
مگر تازند بر آسبان شطرنج
که از جولان کس پیدا نشد گرد؟

### نالهٔ مظلوم

مسلمانان ز دور آید صدایی
صدای جانگدازی، غم فزایی
نمی دانم کجا شبخون زده گرگ
ولی دانم که نالد آشنایی

### سکله قلب

دلی دارم که در سوزش اثر نیست
چرا این سنگ را یارب شرر نیست
بجز نام تو در وی نیست نقشی
اگر این سکه ام (قلب) است اگر نیست




## برنامهٔ ( به عبارت دیگر ) تلویزیون فارسی بی بی سی

# نظریات کینه توزانهٔ اسحاق توخی سابق رئیس دفتر داکتر نجیب

سید اکرام الدین طاهری

قبل ازآنکه به کالبد شگافی سخنان اسحاق توخی سابق دستیار داکتر نجیب رییس حکومت حزب کمونیستی وطن بپردازم، میخواهم مروری در مورد حکومت های کمونیستی در افغانستان داشته باشم.

بعد از حمله مسلحانه اتحاد شوروی سابق به افغانستان و به قدرت رسیدن حزب کمونیستی دیموکراتیک خلق افغانستان که در آخر به خاطر عوام فریبی اسمش را به"حزب وطن " تغییر داد، کمونیستان قسم خوردهٔ دشمن مردم از هیچ نوع ظلم و ستم در برابر آنها دریغ نورزیده و هر نوع جنایتی که از دست شان آمد، از قبیل استبداد ، اختناق ، تجاوز ، اعدام ، ناخن کشیدن ،دندان کشیدن، برق دادن ، ناخن کوبیدن ها ، گیس به گردن آویزان کردن ، زنده به گور کردن ، از چرخبال به دریا انداختن، به موتر بستن و کش کردن ، زنده به رگبار بستن ، چشم کشیدن و صدها نوع جنایت بشری دیگری را انجام دادند که به همهٔ مردم با شهامت و مجاهد افغانستان مانند آفتاب معلوم و هویداست .

با وجود آن همه جنایاتی که مردم مان تا هنوز بهای هنگفت آنرا می پردازند و قساوت قلب هایی که تاریخ نخواهد آنرا به فراموشی سپرد، هنوز هم یک تعداد عناصر مثل اسحاق توخی هستند که آن اعمال زشت برخاسته از قانون جابرانهٔ کمونیستی را توجیه نا معقول نموده و با نادیده گرفتن آن همه شرارتها میخواهند خود را بی گناه جلوه بدهند.

من خود مانند هزاران هزار جوان کشور، شاهد زندهٔ آن جنایات نابخشودنی رژیم های دکتاتور، مستبد و ظالم در سرزمینم هستم که به هیچ دلیلی نمی توان عاملان آنرا بخشید. من فرزند محترم سید جلال طاهر هستم ، شخصیت بزرگواری که به جرم آزاد اندیشی ملی ، دینی و انسانی دو بار بدون گناه در محبس پلچرخی کابل و یک بار در محبس فیض آباد ولایت بدخشان زندانی شده و از هیچ نوع شکنجه در مقابلش دریغ نکرده اند. جنایت کاران وحشی با کمال ناجوانمردی

.

چند دندان مبارکش را با پلاس کشیده اند ...آیا می شود آنانرا بخشید؟

ایشان سال های متمادی عمر عزیز خویشرا به عوض آنکه با خانواده اش سپری نماید، در زندان سپری کرد. من نیز شاهد این تصاویر درد ناک ، خفقان، ترور ، وحشت در همسایگان ، خویشاوندان وهمدیارانم در زیر سایهٔ حکومت های دست نشاندهٔ اتحاد شوروی سابق ، بوده ام که هرگز فراموش من و هزاران هزار جوان درد دیده و خانواده های مظلوم سرزمینم نخواهد شد.

قسمی که در بالا ذکر کردم تنها پدر من به چنین آزار و اذیت ها، دست و پنجه نرم نکرده ، بلکه صد ها هزار انسان که در زندان های مخوف وترسناک دوران حاکمیت کمونیستان، چنین سرنوشتی را داشته و لمس نموده اند، به همین قسم

میلیون ها انسان وطندوست و خداپرست شهید ، مجروح و معیوب گردیده و یا هم یکباره ناپدید گردیده اند که تا حال کسی از سرنوشت شان خبری ندارد.

پس بر میگردم به اصل مسأله که باعث نوشتن این موضوع شد و آن اینکه اسحاق توخی یکی از کمونیستان قسم خوردهٔ افغانستان زمانی که نجیب به حیث رئیس در ریاست "خاد " رژیم تحت حمایت مسکو بود، دستیار وی و پس از گرفتن قدرت توسط نجیب بحیث رییس دفتر وی، ایفای وظیفه مینمود. وی یکی از سرشناسان حزب کمونیستی وطن و در خدمت کی جی بی دستگاه جاسوسی اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز بود. اسحاق توخی ضمن اینکه رییس دفتر نجیب بود، قراری که خودش یاد آور می شود همراز وی هم بود. این خود می رساند که توخی از تمام

جنایت های نابخشودنی حزب کمونیست خلق افغانستان آگاه بوده و در اکثریت قضایا دخیل میباشد.

آقای توخی باید بدانید که مردم افغانستان دیگر آگاه اند همه چیز را خوب و درست درک و تحلیل مینمایند. ملت قهرمان افغانستان میلیون ها شهید را بخاطر آزادی وطن ونجات از شر جنایت های غیر انسانی ، دینی و اخلاقی شما ستالین و لنین پرستان قربانی دادند ، به شما و هم قماشان ناخلف تان اجازه نخواهند داد تا یکبار دیگر با استفاده از کاسه لیسی غرب که تا دیروز شعار مرگ بر امپریالیزم را سرمیدادید و فعلاً خود را در آغوش امپریالیزم انداخته و معاش های مفت را گرفته و چرندیات گویی نموده و به مجاهدین سربکف و گلگون کفن کشور توهین و تحقیر نموده و اعمال زشت و ناپسند خود رابر حق میشمارید ، بالای شان حاکمیت کمونیستی تان را تحمیل نموده و عمل های حیوانی و کشتار گاه های خودرا دوباره احیاء نمایید. شما اگر در خواب و خیال زنده ساختن دوبارهٔ افکار پوسیده و به تاریخ پیوسته تان هستید، باید بدانید که ریشه افکار کمونیستی تان در جهان از نطفه خشکیده و از بین رفته است. باید بدانید که مردم مجاهد و شلحشور افغانستان، دیگر نسخه هایی که توسط بادارانتان تهیه شده و به دست شما قرار داده می شد. تا با ایجاد رعب و وحشت آن را بالای مردم تحمیل نموده و بقبولانید ، اجازه چنین روزی را برای تان هرگز نخواهند داد. باید بدانید مردم افغانستان چهره های پلید و بدنام شما ها را به قدر کافی شناخته اند و هیچ گاهی جنایت های تان را فراموش نخواهند کرد.

اسحاق توخی باکمال بی شرمی وبی حیایی جنایت های خود را نادیده گرفته و بالای مجاهدین و مقاومتگران که سال ها از وطن ، مردم ، ناموس ، عزت ، شرف . دین ، آزادی در مقابل قشون سرخ و قشون سیاه که یکی از طرف شوروی و دیگری از طرف پاکستان حمایت میشدند ، دفاع نموده و پوزهای دشمنان خاک ، وطن و مردم را بخاک مالیدند، تاخت و تاز کرده و مورد توهین قرار میدهد. پس بیایید در هر جایی از دنیا که هستیم آواز خود را بلند و صدای نفرین و لعنت خود را بر گوش شان برسانیم، تا دیگر آنها با دیده درایی ودهن های کثیف شان جرأت توهین و تحقیر مجاهدین را نداشته باشند.

تنها از خانواده خودم ۷۲ شهید ، زخمی ، ناپدید شده ، مهاجر و آواره در ۱۴ سال حکومت کمونیست ها در افغانستان قربانی داده ام. بر من خیلی مشکل تمام شد وقتی مصاحبه کسی را در پردهٔ تلویزیون فارسی بی بی سی دیدم که از جنایات خود و رهبرانش دفاع کرده، به استناد قانونی کمونیستی دست ساخته و برخاستهٔ مکتب لینینیزم و ستالینیزم همه اعمال جنایت کارانه خود و همفکران خویش را مشروع تلقی می نماید .

متأسفانه بزرگترین اشتباه حکومت مجاهدین اعلام عفوعمومی بود که حالاشما با استفاده از آن ،آنها را مورد توهین و تحقیر قرار میدهید. ولی شما باید بدانید که از دادگاه مردمی به هیچ وجه خلاصی نداشته زود یا دیر، مورد مؤاخذه قرار خواهید

## نا امنی در برخی ولسوالی های ...

پس از رشد فعالیت های تروریستی طالبان در شمال به سوی بی ثباتی روان است و در حال حاضر که موج تنش ها و گستردگی نفوذ تخریبی طالبان درین منطقه به جولان است، دیده می شود که ناامنی شمال شرق را نیز در خود فروبرده است.

فعالیت های شورشیان در چند ولسوالی ماورای کوکچه( خواجه غار،خواجه بهاءالدین، ینگی قلعه، درقد و چاه آب) زمانی افزایش یافت که طالبان موجود در ولسوالی دشت ارچی ولایت کندز که با ولسوالی خواجه غار ولایت تخار (این ولسوالی با ولسوالی های ماورای کوکچه هم پهلو است) مرز مشترک دارد، با عملیات های نظامی نیروهای نظامی افغان و خارجی روبرو شدند و این از یکسو زمینه یی شد برای پیدایش شورشیان مسلح در تخار و از سوی دیگر سبب گردید تا برخی افراد شورشی که بستر فعالیت های تخریبی شان در کندز تنگتر شده بود به تخار سرازیر شوند.

اوج گیری فعالیت های دهشت افگنانهٔ طالبان در ولسوالی ینگی قلعه و جواجه بهاءالدین ولایت تخار موجب شده است تا کار برخی پروژه های جسته و گریخته مانند ترمیم و بازسازی سرک کوکچه- ینگی قلعه نیز به سرانجام نرسد. زیرا چندی پیش افراد طالبان دوتن از انجینران سرک سازی را با دوتن از محافظان شان ربودند که با دخالت مردم رها شدند.

اما حالا که به اصطلاح حکومت منتخبی در افغانستان حضور دارد و فرمانده هان محلی نیز آن شکوه گذشته را ندارند، گروه های تازه و جدیدی از طالبان درین منطقه حضور پیداکرده اند که حال و آیندهٔ این منطقه را تهدید می کنند.

پوهندوی عبدالعلی کوهی

# از نخستین انتخابات ریاست جمهوری تا دومین انتخابات پارلمانی در کشور

جامعهٔ قانونمند زمانی به وجود می آید که مردم بتوانند در یک انتخابات شفاف و سالم، نمایندگی واقعی خود را بیابند. بنا بر آموزه های منشور حقوق بشر هیچ حکومتی حق ندارد برایند قطعی و واقعی انتخابات در یک کشور را دست کاری کند. ماده بیست و یک اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر در این مورد اشاره دارد که برگزیدن نماینده، حق هر شهروند می باشد و هر کس آزاد است فرد شایسته و مورد علاقه اش را برای نمایندگی خود برگزیند. انتخابات می تواند بحران مشروعیت سیاسی را از میان بردارد، روی همین هدف پس از دهه های بحرانی در کشورما، برای نخستین بار زمینهٔ انتخابات فراهم گردید و مردم در ۱۸ میزان ۱۳۸۳ به پای صندوق های رأی رفتند، تا به حقوق بشری، سیاسی و مدنی خود دسترسی پیدا کنند.

در جریان انتخابات ریاست جمهوری در دورهٔ نخست ۱۸ نامزد و در دوره دوم در سال ۲۰۰۹ بیش از ۳۰ نامزد به رقابت پرداختند که این کار در تاریخ افغانستان یک تحول عظیم می باشد.

علاوه بر تنوع قومی و مذهبی نامزد ها، حضور زنان در جمع رقابت کنندگان اهمیت سیاسی – اجتماعی این پدیده را برجسته ساخته است در حالی که افغانستان پس از یک بحران سی ساله به این مهم پرداخته است؛ زیرا انتخابات از مبانی مهم دیموکراسی است و رأی دادن از ملزومات جامعهٔ مدنی.

هر چند در چهار دوره انتخابات، برخی نا رسایی ها و تخطی ها وجود داشته است، اما می توان این گام را به سمت آئین دیموکراسی، ارتقای شهروندی، قانونمندی جامعه و حکومت پاسخگو در برابر مردم تعبیر کرد. حضور گستردهٔ مردم در انتخابات ریاست جمهوری در ۱۸ میزان ۱۳۸۳ یکی از نشانه های قانونمداری در افغانستان محسوب می گردد.

در انتخابات نخستین ریاست جمهوری برای تعیین رئیس جمهور، مردم در روند سیاسی کشور سهم فعال داشتند، رفتن به پای صندوق های رأی و تعین رئیس جمهور در حقیقت یک ارزش بزرگ سیاسی و دینی در تاریخ افغانستان محسوب می شود؛ زیرا از قرن ۱۸ به بعد که حکومت های منتخب، پارلمان و قانون اساسی در میان کشور های پیشرفته و متمدن وجود داشته است در کشورما افغانستان هیچ گزینه یی قانونی، شرعی و مدنی در تعیین زعامت کشور وجود نداشته است.

در شرایطی که در کشور های اروپایی، امریکایی و پاره یی از کشور های آسیایی مردم دارای پارلمان، قانون اساسی و محاکم پیشرفته بوده اند، افغانستان در چتر استبداد و حکام خود کامه که از طریق میراث بر قدرت تکیه زده بودند، بر این سرزمین حکومت می نمودند. انتخابات ریاست جمهوری پس از چندین دهه بحران، جنگ و اشغال، یک شیوهٔ جدید و امیدوار کننده در آستانهٔ قرن بیست و یک که کشور فاقد یک نظام سیاسی بود، محسوب می گردید.

امروز هیچ کشوری در جهان وجود ندارد که مردم آن به مقوله های انتخابات، قانون اساسی، حکومت قانون، محاکم مدرن دسترسی نداشته باشند، اما در افغانستان از مزایا ی انتخابات نظر به پائین بودن سطح سواد و فرهنگ سیاسی محروم می باشد. با وجود آنکه مردم افغانستان به مقوله های پیشرفت و حکومت قانون کمتر چیزی می دانستند، اما برای ایجاد یک حکومت مردمی، قانونمند و پاسخگو با شور و شوق عالی به پای صندوق های رأی رفتند تا سر نوشت آیندهٔ کشور شان را تعیین و نقش خود را در روند سیاسی ایفاء نمایند. سوگمندانه انتخابات ریاست جمهوری از همان آغاز و بعد از گذشت سال ها رنگ باخت و از مشارک ملی و حکومت داری خوب در خبر نشد، تا اینکه در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ آب و هوای انتخابات ریاست جمهوری تغییر یافت و طشت رسوایی مدعیان قدرت سیاسی از طریق اعمال فشار و تقلب از بام به زمین افتاد و این یگانه مقوله و گزینهٔ که می توانست در جهت حکومت داری خوب، مشارکت ملی، قانونمداری و جلوگیری از فساد، تزویر و نیرنگ کار ساز باشد خود به موضوع و مسألهٔ تشنجزا در کشور تبدیل گردید و بحران اعتماد میان مردم و حامیان قدرت و مدعیان دروغین حکومت قانون بیشتر گردد. این انتخابات نه تنها به بحران های جانکاه کشور مرهم نگذاشت بلکه به گفته شاعر:

**آنچه بگندد نمکش می زنند**
**وای از آن روز که گندد نمک**

یک چنین تزویر سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری دور دوم، نه تنها در جهت صلح، ثبات و حکومت داری خوب، منتج به کدام نتیجهٔ نگردید؛ بلکه این روند مطمین حاکمیت قانون در افغانستان خدشه دار گردید و ازاعتبار انتخابات و تمام مقوله های مدرن و پیشرفته و گزینه های حکومت قانون در اذهان مردم کاسته شد.

مردم آن علاقه یی را که در انتخابات نخستین ریاست جمهوری از خود نشان داده بودند، در دوره های بعدی انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی از دست دادند و مردم آهسته آهسته از این شیوه و روش حکومت داری متنفر و بیزار گردیدند. گفته اند که میزان مشروعیت انتخابات به دو اصل؛ یعنی اشتراک اکثریت مردم و شفافیت آن می باشد. بعد از انتخابات ریاست جمهوری، نه تنها از کمیت اشتراک کنندگان کاسته گردید؛ بلکه نبود شفافیت، تقلب و تزویر از ویژگی های انتخابات بعدی در کشور می باشد؛ در حالی که در هر روند سیاسی و مؤلفه های دیموکراسی باید شفافیت و عادلانه بودن آن تضمین گردد، در غیر آن دیگر انتخابات و مقوله های عصر مدرنیته به یک اصطلاح میان تهی، تبدیل خواهد گردید.

رفتن مردم افغانستان برای نخستین بار برای انتخاب رئیس جمهور به صندوق های رای؛ در حقیقت بازگست مردم در آغاز قرن بیست و یک به شیوهٔ جدید زندگی و سیر پیشرفت در کشور بود، اما بستر های پیشرفت در کشور طوری که دیده شد تا هنوز دست نخورده باقی مانده است؛ زیرا مردم به زندگی غیر عقلانی و مبتنی بر عرف و عادات برخاسته از زندگی بدوی، عادت کرده اند و یک اقلیت مفت خوار و خود خواه که فقط در زیر چتر حاکمیت زندگی می کنند همواره بر توده های خاموش جامعه حکومت می نمایند. این اقلیت مفت خوار از آفتاب جانبخش زندگی اجتماعی همواره در هراس اند و هر حرکت پیشرو و قانونمند را به ضرر حاکمیت خود تلقی می نمایند و در جهت نابودی آن تلاش می نمایند، در صورتی که نتوانند آن را به طور کامل از میان بردارند، در جهت بد نام ساختن آن تلاش می نمایند. این اقلیت مفت خوار که حاکمیت را میراث خود می دانند، نه تنها با مسیر خواسته های پیشرفت اجتماعی و ترقی نا آشنا اند؛ بلکه هر روزنه یی امید را در این راستا به ضرر خود دانسته و در جهت سرکوب آن می برایند.

افغانستان از جمله نادر کشور هایی است که بیشترین آسیب را از بابت مستولی شدن شیوهٔ های زندگی اجتماعی غیر عقلانی و چماق به دستان حامی این نوع زندگی نکبت بار را متحمل گردیده اند ص۷

## در کابل سرینا چه ...

این گونه تماس ها اعلام داشته است، طالبان ضمن رد هرگونه تماس و مذاکره، هدف از این شایعه پراگنی ها را تلاش در جهت ایجاد ضعف در صف جنگجویان طالب عنوان می کنند.

طالبان در اعلامیه های شان می گویند، از آنجا که امریکا در افغانستان شکست خورده است، اکنون با شایعه پراگنی در صدد است تا طالبان را ضعیف جلوه دهد. امریکا از قبل گفته بود که اول باید طالبان ضعیف شوند و بعد با آنها مذاکره صورت گیرد.

از جانب دیگر در حالی که حکومت افغانستان از تماس و مذاکره با طالبان سخن می گوید، حاضر نیست تا از کسی که به نمایندگی از طالبان با او مذاکره کرده است، نام ببرد.

در هفتهٔ گذشته ناگهان رسانه ها از مذاکرات میان عده یی از شخصیت های پاکستانی و مقامات حکومت افغانستان در کابل پرده برداشتند و شایع شد که در این مذاکرات نمایندگان طالبان نیز شرکت دارند.

به زودی این شایعه به عنوان مذاکرات پشت پرده میان نمایندگان طالبان، مقامات پاکستانی و مقامات افغان حتی دررسانه های بین المللی نیز منعکس شد. همزمان با این خبر، روزنامهٔ واشنگتن پوست از مذاکرات میان نمایندگان دولت افغانستان و طالبان در عربستان سعودی گزارش داد. قبلا جنرال پتریوس نیز گفته بود که مذاکرات میان طالبان و نمایندگان حکومت افغانستان در جریان است.

در رابطه با مذاکرات در هوتل کابل سرینا باید گفت که، در این مذاکرات هیچ نماینده یی از طالبان مربوط به شورای کویته حضور نداشت بلکه عده یی از شخصیت های سیاسی و فرهنگی پاکستان از جمله آفتاب احمد خان شیرپاو سابق وزیر داخلهٔ پاکستان، محمود خان اچکزی، بعضی از رهبران نشنل عوامی پارتی و دیگران شرکت داشتند.

این افراد در جرگهٔ صلح منطقوی نیز به کابل آمده بودند و بعد در امارات متحدهٔ عربی نیز نشستی با بعضی از مقامات افغان داشته اند. در نشست کابل سرینا از اعضای سابق طالبان نیز کسانی شرکت داشتند که سال هاست در کابل زندگی می کنند. به صورت کلی کسانی که در این نشست شرکت داشتند پشتون بودند که نمایانگر هدف این نشست بود.

حقیقت مسلم اینست که افراد شرکت کننده از جانب پاکستان در این نشست نمی توانند از طالبان نمایندگی نمایند زیرا این افراد به مخالفت با طالبان در کشور خود مشهور اند. به عنوان مثال، طالبان دوبار به جان شیرپاو سوء قصد کردند و تلاش نمودند تا اسفندیار ولی خان را بکشند.

مناطقی که روزگاری مراکز قدرت احزاب سیاسی این سیاستمداران در پاکستان به شمار می رفت اکنون به مراکز قدرتمند طالبان مبدل گردیده است بنا براین تصور اینکه این افراد بتوانند میان طالبان و حکومت افغانستان وساطت نمایند و در تفاهم سهم بگیرند، ناممکن است.

پس در چنین شرایطی دلیل این گردهمایی چیست؟ یک دلیل می تواند این باشد که این سیاستمداران همه پشتون اند و پشتون ها هم در افغانستان و هم در پاکستان زیر فشار اند. در حقیقت آتشی که در دو سوی دیورند مشتعل است، خرمن هستی پشتون ها را می سوزاند. جهانیان فکر می کنند که پشتون ها تندرو و حامی تروریسم اند. برای دور کردن این طرز فکر در مورد پشتون ها لازم است تا سیاستمداران دو سوی دیورند باهم درتفاهم باشند و تلاش های مشترکی را در این رابطه سامان دهند.

از آنجایی که بیشتر نا امنی ها در دو سوی دیورند بوده و بستر نا امنی ها مناطق پشتون نشین است، این کار می تواند به صلح و امنیت در افغانستان و پاکستان کمک کند.

نشنل عوامی پارتی در انتخابات اخیر توانست تا حمایت مردم را تا حدی از آن خود سازد و اکنون در حکومت پاکستان به عنوان یک وزنهٔ سنگین به شمار می رود.

نشنلی ها از ده ها سال قبل روابط نزدیک با حکومت های مختلف در افغانستان داشته اند. رهبران آنان مدتی از عمر خود را در تبعید و گاهی تبعید خود خواسته در افغانستان سپری کرده اند. یک هدف دیگر این نشست می تواند تلاش در جهت بهبود روابط میان افغانستان و پاکستان باشد. در این اواخر تاکید رئیس جمهور کرزی بر اینکه تروریسم در روستا های افغانستان نیست و باید نیروهای ائتلاف به مراکز اصلی تروریست ها که در آنسوی دیورند قرار دارد حمله کنند، موجب نارضایتی پاکستان شده است. دیدار این سیاستمداران می تواند در بهبود روابط میان دو کشور موثر باشد.

بنا براین برخلاف آنچه که شایع شد، در مذاکرات هوتل کابل سرینا هیچ نماینده یی از رهبر گروه طالبان حضور نداشت زیرا شرکت کنندگان این شورا مورد اعتماد طالبان نبودند و رابطه یی هم با طالبان نداشتند.

# د ولسي جرگې لخوا تاکنو د شکایتونو د بررسۍ پریکړه !!



رفیق بحر

پداسې حال کې چې دولسي جرگې حقوقي موده لاڅومیاشتې دمخه ختمه شویده خو دولسواکۍ ترنامه لاندې دولسمشردټولواك حکومت په ځبر دهیواد تاریخ تېره ولسي جرگه هم ځان ته دا حق ورکوي چې دټاکنوپه بهیر کې دتر سره شوو درغلیو تخلف او تقلب بررسي وکړي او پدې لړکې دټاکنو اړوندو کمیسیونونوسره مرسته وکړي .

نوې ولسی جرگې ته ټول لیوال دولسي جرگې زاړه غړي هم دهغه چا کانه کوي چې چاپه کلي کښې پخپله نه پریښوده خوده ویل چې آس مې دخان کره وتړۍ .

زمونږ دهیواد په تاریخ کې (چې که څه هم دولسواکۍ ډېرلنډتاریخ لرو )

کوي او چې څنگه یې هم خوښه شي دسترې محکمې له لیارې به دقانون تفسیراو تشریح کوي .لکه چې هغه مهال چې دولسي جرگې دمودې دپای ته رسیدو په سرد ولسمشر او ولسي جرگې ترمنځه خپلمنځي توافق ددواړو گډه گټه وه او له سترې محکمې څخه داساسی قانون دنظارت دکمیسیون کار اخستل هم داجرائیه او مقننه قوې گډه گټه وه نو له رسنېوپرته بل کوم قوت نه ووچې دکرزي صیب لخوا دولسي جرگې دټاکنوځنډول یې چیلنج کړی وایې ؟ دلته هم سره ددې چې اوس داساس قانون دتطبیق دڅارنې او تشریح کمیسیون جوړشوی هم دی خو خوردضابطان کله کولاې شي چې په جنرالانو نیوکه وکړي؟

امتیازات یې لاتر اوسه اخلي ، نو داسې ولسي جرگه به خامخا په نوي ولسي جرگه کې خپلوځانونو ته دځایونو پیداکولو په منظور دټاکنو دخپلواك کمیسیون او دشکایتونو دخپلواك کمیسیون په کارونو کې هم ځان برخمن گڼي او په یوه وخت کې به ځانونه مدعیان او قاضیان دواړه جوړوي .

که څه هم په پریکړه کې ولسي جرگې ویلي دي چې له دوې څخه به هغه غړي دغه نظارت تر سره کوي چې نوماندان ندي او ښايي دولسي جرگې ښاغلېو غړو دغه پریکړه داساسي قانون دنهه اتیایمې مادې په بنیادکړې وي چې وایې : ( ولسي جرگه واك لري دغړو ددریمې برخې په پیشنهاد دحکومت داعمالو دڅېړنې او کتنې لپاره یو ځانگړی کمیسیون وټاکي )

له ټولوناکامه ولسي جرگه اوس هم ځانته ددې حق ورکوي چې هم مدعي اوسي اوهم قاضي اوسي .

د داسي ولسي جرگې له ستیج څخه چې له دوه دریو تنوپرته نورو ټولویې بیا نوې ولسي جرگې تـه ځانونه نومولي دي ، څنگه داسې پریکړه را اوچتیږي چې دوې به دټاکنو اړوندو کمیسیونو سره دتخلف، تقلب او درغلیو په هکله دشوو نیوکو په بررسي کې همکاری کوي .پداسې حال کې چې د اساسی قانون د درې اتیایمې مادې له مخې ددې ولسي جرگې دکارقانوني موده د روان کال دچنگاښ په لومړۍ نېټه لاپای ته رسیدلې وه . خو په لوې لاس داساسي قانون دجوړیدا وروسته تراووکلونو پورې تر نږدې دوه میاشتې دمخه په اساسي قانون دنظارت کمیسون دهمدې لپاره دولسمشر لخوا نه جوړیده چې دولسواکۍ ترنامه دولسمشرټولواکي دوام ولري او چې کله یې هم خوښه شي انتخابات به

> **د داسي ولسي جرگې له ستیج څخه چې له دوه دریو تنوپرته نورو ټولویې بیا نوې ولسي جرگې ته ځانونه نومولي دي، څنگه داسې پریکړه را اوچتیږي چې دوې به دټاکنو اړوندو کمیسیونو سره دتخلف، تقلب او درغلیو په هکله دشوو نیوکو په بررسي کې همکاری کوي .پداسې حال کې چې د اساسی قانون د درې اتیایمې مادې له مخې ددې ولسي جرگې دکارقانوني موده د روان کال دچنگاښ په لومړۍ نېټه لاپای ته رسیدلې وه.**

داچې اوس قانوني موده ختمه شوې ولسي جرگه دیوخپلواك کمیسیون په کار کې ځان ورشریکوي او دټولې ولسي جرگې څخه دگوتو په شمیره غړو پرته ټولو ځانونه نوې ولسي جرگې ته هم کاندیدکړیدي او ورسره ورسره یې له خپلودندو استعفاء هم نده ورکړې اوټول

او د دوې په گمان دشکایتونو یا ټاکنو دخپلواکو(!) کمیسیونونو دکارونو څارنه هم ښايي ددې مادې مصداق اوسي خو دې ته نه گوري چې کاشکې خو په تاسوکې دریمه برخه غړو ځانونه هم کاندید کړي نه وای . تاسوکې خوله گوتو په شمیر غړو پرته نورو ټولو بیا ځانونه نومولي دي چې دټاکنو په بهیرکې دقضیې لوری او مدعیان یاست نو څنگه ځانونوته د پریکړې او قضاوت حق هم ورکوئ !!

داخو یې لاپریږده چې دقانون له مخې ددوې موده لاپخوا پای ته رسیدلې.ده خو چې دځنگله غټ ځناور سره یوشي نو واړه به ترې څنگه ژوندي پاتې شي!! پدې هیواد کې چې داساسي قانون سره کومې لوبې وشوې خیردی که دولسي جرگې دغړو (!) پرته کاندیدانو سره یې هم اوس ولسمشر او او سنۍ ولسي جرگه (!) کوي . پداسې حال کې چې که له دوې څخه کوم تن ځان نومولی هم ندی نو د نوروکاندیدانو لپاره کمپان څخه ناست هم ندي !! نودوې څنگه ځانونوته بې طرفه وایې ؟ !

## از نخستین انتخابات ریاست...

و هر دریچه امیدی که به روی مردم باز می شود، در همان آغاز با پرده های ضخیم و موانع زیاد مواجه می گردد. پس از رنج های فراوان مردم افغانستان انتخابات ریاست جمهوری را برای نخستین بار تجربه کردند و این نسیم ملایم و عطرآگین نظام سیاسی جدید در همان آغاز با دشواری های زیادی مواجه گردید و مقولهٔ انتخابات مانند سایر مقوله های پیشرفت و تجدد در کشور به رکود مواجه گردید.

امروز دیده می شود که انتخابات ریاست جمهوری، پارلمانی و شوراهای ولایتی با تندباد های مسموم کننده و زهرآگین مواجه گردیده است. حال وقت آن فرا رسیده است که کشور را از این بحران بی اعتمادی و شر زور گویان نجات داد. مردم افغانستان حق دارند تا در برابر متوالیان نیرنگ، ریاء و تزویر در پوشش اقدامات فریب کارانه یی همیشگی شان که می خواهند مقوله های پیشرفت و گزینه های عصر مدرنیته را با چالش هایی مواجه سازند، به مبارزه بر خیزند و برمراکز شرارت که در راستای خشکاندن نظم نوین اجتماعی تلاش می نمایند، یک دست و یک گام اقدام کنند.

حوادث اخیر نشان داد که در برابر انتخابات و گزینه های حکومت قانون، ظالمانه بر خورد می شود. باید در مقابل این ترفندهای به ظاهر فریبنده و حامی دیموکراسی و پیشرفت؛ اعم از داخلی و خارجی، دولتی و غیر دولتی به پا خاست و مردم را در روشنی و آگاهی قرار داد. حال وقت آن فرا رسیده است که مردم آستین بر زنند و کمر همت بیندند و در قالب حرکت های مدنی، با حضور فعال، یکپارچه و متحد در برابر رهروان کاروان عقب گرایی و ظلمت، با مشت واحد بر دهان این اسیران کمند هوا و هوس حیوانی بکوبند. ما می توانیم از شیوهٔ های مدنی مقولهٔ انتخابات و گزینهٔ حکومت قانون و قانونمداری را در کشور نجات دهیم؛ ورنه این فضای پیش آمده رایگان از دست خواهد رفت و ما کاری را از پیش نخواهیم برد.

## در افغانستان تولید تریاک ...

ادارهٔ جرایم مواد مخدر، سال گذشته نیز گزارشی داشت که از افزایش مواد مخدر در افغانستان یادآوری کرده و گفته بودکه این کشور بزرگترین تولید کنندهٔ مواد مخدر در جهان بوده و به یکی از مصرف کنندگان عمده این مواد هم تبدیل شده است. تقریباً سه درصد از جمعیت بزرگسال افغانستان به هروئین و تریاک معتاد هستند. بسیاری از افغان ها هنگامی که با دشواری های زندگی مواجه اند به استفاده از مواد مخدر روی می آورند. گفته می شود که حتی برخی از والدین جهت این که خود را راحت کنند به کودکان شان تریاک می خورانند تا آن ها استراحت شوند و این ها بتوانند به کاروبار شان رسیدگی نمایند.

سازمان ملل متحد سال گذشته گفته بود که به دلیل وجود فساد، فقدان حاکمیت قانون، و عدم کنترل مرزها، تنها قادر شده دو درصد مواد مخدر تولیدی در این کشور توسط ماموران کشف و ضبط شود.

همچنان در گزارش سال گذشتهٔ این اداره آمده بود که، بازار شصت و پنج میلیارد دلاری تریاک در جهان، سازمان های تروریستی را تمویل کرده و همزمان، مواد مخدر را در دسترس پانزده میلیون معتاد در جهان قرار می دهد و همه ساله صد هزار نفر را در سطح بین المللی به کام مرگ می فرستد.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قران کریم

# مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

**شعار ما**

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ بیست و چهارم ۱۷ میزان ۱۳۸۹ اول ذولقعده ۱٤۳۱ – 9 oct 2010

# در کابل سرینا چه گذشت؟

**ابوبکر سبزوار**



مدتهاست که شایعات تماس و مذاکره میان حکومت افغانستان و مخالفین مسلح دولت در داخل و خارج کشور برسر زبانهاست. گاهی از عربستان سعودی به عنوان محل این مذاکرات نام برده می شود و زمانی هم از امارات متحدهٔ عربی.

در یک مورد سال گذشته گفته شد که مذاکراتی در دوبی میان نمایندگان حکومت افغانستان و طالبان در جریان است و نمایندگی

هیئت افغانی را ملا عبدالسلام ضعیف سفیر سابق طالبان در اسلام آباد به عهده دارد. چند روز بعد از این خبر من به منزل آقای ضعیف رفتم. اتفاقا وی از سفر به امارات برگشته بود. از وی در مورد مذاکرات با نمایندگان طالبان پرسیدم. وی با تعجب گفت که از این جریان اطلاعی ندارد و هدف از سفر وی به امارات، تداوی چشمش بوده است.

به نظر می رسد که وی در جواب یک خبرنگار که از وی خواستار وقت برای ملاقات شده بود گفته بود که من عازم سفر هستم. بعضی از خبرنگاران ما هم که ماشاءالله از قراین به کنه مطلب پی می برند، این سفر را به مذاکرات با طالبان رابطه داده و این شایعه را به مذاکرات صلح پیوند دادند.

چند روز قبل در یکی از روزنامه های کابل خبر سفر آقای ضعیف به قندهار منتشر شد که وی حامل پیامی از جانب امریکا به ملامحمد عمر بوده است. برای معلومات در مورد درستی یا نادرستی این خبر با ایشان در تماس شدم که وی به شدت این خبر را تکذیب نمود.

درحالی که همچنان خبر از مذاکرات و تماس با طالبان می رسد و قصر سفید هم حمایت خود را از ص۶

به گزارش سازمان ملل متحد

# در افغانستان تولید تریاک پنجاه درصد کاهش یافته است

**مصباح شعیب**



براساس بررسی جدید ادارهٔ جرایم و مواد مخدر سازمان ملل از وضعیت مواد مخدر در افغانستان، تولید تریاک در این کشور از سال ۲۰۰۳ تا حال در پائین ترین سطح قرار دارد.

بررسی ها نشان می دهد که، افغانستان در سال جاری میلادی حدود ۳۶۰۰ تن تریاک تولید کرده که در سال قبل، ۶۹۰۰ تن بوده است. با این محاسبهٔ سازمان ملل، تولید تریاک حدود ۴۸ درصد در افغانستان کاهش را نشان می دهد.

بنا به گفتهٔ رئیس اجرایی ادارهٔ جرایم و مواد مخدر سازمان ملل متحد، کاهش مواد مخدر، خبر خوشی است. اما از بازار گرم آن که همانا بلند رفتن قیمت تریاک می باشد، نگران کننده به نظر می رسد. که باید مراقب آن بود.

این گزارش خاطر نشان می سازد که بیشترین کشت تریاک در مناطق نا امن جنوبی و غربی افغانستان است که این خود رابطهٔ شورشگری با تجارت تریاک را نشان می دهد. زیرا سال گذشته یکی از نا امن ترین ولایات افغانستان که هلمند است، شصت درصد تریاک کل کشور را تولید کرده است.

ضرار احمد مقبل وزیر مبارزه با مواد مخدر به تاریخ ۸ میزان در یک نشست خبری در ارتباط به کاهش مواد مخدر گفته بود: ساحات تحت کشت در جنوب افغانستان نسبت مرض متضرر شده و در تولید آن ۶۰ الی ۹۰ درصد کاهش قابل ملاحظهٔ را نشان می دهد.

به گفتهٔ آقای مقبل، کشت کوکنار در ۲۰ ولایت کشور صفر شده است و در ۴ ولایت دیگر ( لغمان، کنر، زابل و هرات) به صفر نزدیک شده است. ص۷

اداره جرایم و مواد مخدر سازمان ملل متحد علت کاهش تریاک را در افغانستان در سال جاری ناشی از شیوع نوعی آفت به نام قارچی عنوان کرده است که در کشتزارهای خشخاش شیوع پیدا کرده است. بیشترین آسیب این آفت در کشت خشخاش ولایات قندهار و هلمند بوده است.

در همین گزارش هشدار می دهد تولید تریاک در این کشور احتمال آن می رود تا دوباره افزایش یابد. علت آن افزایش را بهای مواد مخدر دانسته و این مسئله می تواند کشاورزان را به کشت تریاک تشویق کند.

افغانستان بعد از رویکار آمدن طالبان از کشورهای است که تریاک در آن کشت می شود و بازار آن در خارج از کشور می باشد. در گزارش سازمان ملل آمده است که، نود درصد تریاک جهان را افغانستان تولید می کند، موادی که در تهیه هروئین از آن کار گرفته می شود.

# نا امنی در برخی ولسوالی های ولایت تخار

**تاج الدین سروش/دانشجو دانشکدهٔ ژورنالیزم کابل**

ولسوالی های ینگی قلعه، درقد، چاه آب و خواجه غار از ولسوالی هایی اند که با تاجکستان سرحد مشترک دارند و از نظر قاچاق موادمخدر مکان های استراتژیک به حساب می آیند و یکی از دلایلی هم که گروه طالبان این ساحات را انتخاب کرده است، همین ویژگی برجستهٔ آنست.

به دنبال اوج گیری تنش های نظامی در شمال افغانستان و اظهارات سال گذشتهٔ رییس جمهور کرزی، در مورد فرود آمدن هلیکوپترهای مشکوک به این ساحه که به گفتهٔ وی شبه نظامیان طالب را به ولایت های شمالی انتقال می داد، این بار باشندگان ولسوالی های ینگی قلعه و درقد ولایت تخار می گویند که چندی پیش درین ولسوالی ها دو فروند هلیکوپتر، شماری از طالبان را به این منطقه نیز پیاده کرده است.

به گفتهٔ باشندگان این ولسوالی های دورافتاده، افرادی که به تازگی درین محل ها دیده شده اند با زبان های معمول افغانستان آشنایی ندارند و طرز احوال پرسی و سلام دادن شان نیز متفاوت از اهالی این مرزوبوم است.

مردم ینگی قلعه می گویند که دسته های طالبان که به این ولسوالی به سر می برند چندین قریه را در اختیار خود گرفته و در برخی دهات مردم را وادار به دادن عشر و زکات کرده اند که در صورت بی توجهی به این دستور با مجازات صحرایی آنها روبرو خواهند شد.

بنابر اظهارات باشندگان این منطقه، طالبان در حال حاضر روستاهای عمرخیل، کهنه شاخ، قریلدی، مومن آباد ولسوالی ینگی قعله و برخی ساحات ولسوالی های خواجه غار و درقد را در کنترل کامل خود دارند و در برخی قریه های ولسوالی ینگی قلعه حتا قانون و دستورات تندروانهٔ شان (مانند مجازات زنانی که بدون محرم از خانه بیرون شوند و بستن موقتی دروازه های یک مکتب دخترانه در قریهٔ هزاره قشلاق) را عملی کرده اند.

به اساس گفته های مردم محل، دسته های طالبان روزانه در همه روستاهای ولسوالی ینگی قلعه، درقد و خواجه غار گشت و گذار می کنند و به هرکاری که بخواهند دست میزنند. زیرا شمار نیروهای امنیتی این ولسوالی ها به حدی نیست که حتا بتوانند امنیت ادارهٔ ولسوالی را (درصورت هجوم شورشیان) تامین کنند چه رسد به اینکه از محل های دور دست پاسداری نمایند.

منطقهٔ شمال شرق افغانستان که تا یک سال پیش ساحه یی نسبتاً امنی به حساب می آمد، ص۵